

پیش‌بینی رضایت زناشویی زنان با ویژگی‌های شخصیتی و دین‌داری

The prediction of the women's marital satisfaction by their personality characteristics and religiosity

Sedigheh Taraghijah

Jafar Bahadori Khosroshahi

Zeynab Khanjani

صدیقه ترقی جاه *

جعفر بهادری خسروشاهی **

زینب خانجانی ***

Abstract

Personality characteristics and religiosity are among the factors influencing the life quality of spouses. Marital satisfaction as a prominent manifestation of the life quality of the spouses is considerably under the influence of these factors. Therefore, the current study carried out with the aim of the prediction of the women's marital satisfaction of Tabriz city by their personality characteristics and religiosity. The method of the study was descriptive and correlation. The statistical population of the present study consisted of all married women in Tabriz in 2012 that among them 200 subjects selected using Cochran's formula and convenient sampling method. To gather data the short form of the Neo Personality Inventory, Aryan's religiosity and Enrich's marital satisfaction used. Data analyzed by using the Pearson's correlation coefficient and analysis of regression. Finding showed that marital satisfaction has a negative and significant correlation with neuroticism and have a positive and significant correlation with personality characteristics of extroversion, openness, agreeableness, and conscientiousness. Furthermore, there was a positive and significant correlation between marital satisfaction and religiosity (0/01). Also the results of regression analysis showed that religiosity, neuroticism, openness, conscientiousness and extraversion respectively with the coefficient of determination of 44%, 13%, 15%, 18% and 19% are able to predict the marital satisfaction. Thus, the knowledge followed by this study can be used in sessions of counseling, treatment, and improvement of spouses' relationship to increase their marital satisfaction.

Keyword: *religiosity, marital satisfaction, women, personality characteristics*

چکیده

ویژگی‌های شخصیتی و دین‌داری از عوامل مؤثر در کیفیت زندگی همسران است. رضایت زناشویی همچون نمودی برجسته از کیفیت زندگی همسران در اندازه قابل توجهی از این ویژگی‌ها متأثر می‌گردد. از این رو پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی ویژگی‌های شخصیتی و دین‌داری زنان همسران شهر تبریز با رضایت زناشویی آن‌ها به انجام رسیده است. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش همه زنان متأهل شهر تبریز در سال ۱۳۹۲ بودند که از این جامعه تعداد ۲۰۰ زن با بهره‌گیری از فرمول کوکران و نمونه‌گیری در دسترس گزینش شدند. برای گردآوری داده‌ها ابزارهای شخصیتی کوتاه نئو، دین‌داری آریان و رضایت زناشویی انریچ به کار برده شد. تحلیل داده‌ها با بکار بستن ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون انجام داده شد. برآمدهای پژوهش نشان داد رضایت زناشویی با روان آزرده‌خویی همبستگی منفی و معنی‌دار و با ویژگی‌های شخصیتی برون‌گردی، تجربه‌پذیری، همسازگی و وظیفه‌شناسی همبستگی مثبت و معنی‌دار دارد. افزون بر این همبستگی میان رضایت زناشویی با دین‌داری مثبت و معنی‌دار بوده است ($P < 0/01$). برآمدهای تحلیل رگرسیون نشان داد که دین‌داری، روان آزرده‌خویی، تجربه‌پذیری، وظیفه‌شناسی و برون‌گردی به ترتیب با ضرایب تعیین ۴۴٪، ۱۳٪، ۱۵٪، ۱۸٪ و ۱۹٪ قادر به پیش‌بینی رضایت‌مندی زناشویی هستند. می‌توان از دانش برآمده از این پژوهش در جلسه‌های مشاوره، درمان و بهبود رابطه همسران برای افزایش رضایت زناشویی آن‌ها بهره گرفت.

واژگان کلیدی: *دین‌داری، رضایت زناشویی، زنان، ویژگی‌های شخصیتی*

مقدمه

ازدواج یکی از برجسته‌ترین تصمیم‌گیری‌ها در زندگی هر فرد است و رضایت‌مندی از ازدواج یکی از ریشه‌ای‌ترین عوامل تعیین‌کننده کیفیت زندگی و سلامت روانی است. ازاین‌رو متخصصین روان‌شناسی خانواده غالباً سنجه خود را در بررسی کیفیت روابط زوجین، تراز رضایت‌مندی زناشویی^۱ آن‌ها قرار داده‌اند (عباسی و رسول‌زاده طباطبایی، ۱۳۸۸). خانواده به‌عنوان یکی از نهادهای بارز در هر جامعه‌ای به شمار آورده می‌شود. در صورتی که خانواده از کارکرد شایسته‌ای برخوردار باشد، اعضای خانواده نیز از سلامت مطلوبی برخوردارند (روستیت، چایکس و چاوین، ۲۰۰۷). بنیاد و پای‌بست خانواده پس از ازدواج به وجود می‌آید و ازدواج نقطه آغاز زندگی زناشویی و مبدأ کانونی به نام خانواده است. نیاز به برپایی روابط انسانی یکی از نیازهای عاطفی آدمی است و ازدواج به‌عنوان صمیمی‌ترین نوع رابطه در پاسخ به همه نیازها اعم از بدنی و روانی شکل می‌گیرد و به‌عنوان یکی از مراحل تکامل آدمی برشمرده می‌شود. ازدواج در زمره پیچیده‌ترین روابط انسانی است و هیچ‌یک از روابط انسانی دارای ابعاد گسترده و فراوان همانند ازدواج نیست (پور افکاری، ۱۳۹۰). اگرچه ازدواج در رابطه خصوصی و فردی دخالت دارد، ولی هیچ‌گاه ازدواج بر پایه این مناسبات پی‌ریزی نمی‌شود، بالاتر از آن در ازدواج روابط زوجین بر پایه اهداف خانوادگی برقرار می‌گردد. بنابراین پیمان، نقش‌های تازه‌ای به نقش‌های خوشه‌ای خود افزوده می‌شوند و ارتباطات جدید میان فردی، در هر یک از زوجین گسترش می‌یابد و ادامه معاشرت‌ها و سبک زندگی پیشین نیز دگرگون می‌شود (خدا پناهی، ۱۳۷۴). سازمان بهداشت جهانی خانواده را به‌عنوان عامل اجتماعی اولیه در افزایش سلامت و بهزیستی معرفی کرده است. پژوهش‌های گوناگون نیز به این امر اشاره کرده‌اند که ازدواج موفق موجب می‌شود افراد شادتر، بانشاط‌تر و

^۱. Costa & McCrae

سالم تر زندگی کنند (کمپبل، ۲۰۰۳). از این رو پژوهش رضایت زناشویی و ابعاد گوناگون آن برای تأثیری که بر بهداشت روانی افراد دارد، از اهمیت زیادی برخوردار است (دانلی^۱، ۱۹۹۳).

رضایت زناشویی یکی از عوامل مؤثر در ثبات و پایداری خانواده و درعین حال بهداشت روانی همسران و فرزندان است و نقش بسیار برجسته‌ای در کارایی فردی و اجتماعی افراد دارد. به طوری که پژوهش‌ها نشان داده‌اند رضایت از زندگی زناشویی بر سلامت روانی و جسمی افراد تأثیر مهمی دارد و سلامت بدنی، عاطفی و بهداشت روانی افراد در گرو سلامت روابط زناشویی و تداوم و بقای ازدواج است. رضایت زناشویی معلول عوامل بیشماری از ارتباطات میان زن و شوهر و فرزندان است. رضایت زناشویی هنگامی وجود دارد که وضعیت موجود فرد در روابط زناشویی همانند با آنچه وی انتظار دارد، برابر باشد و نارضایتی زناشویی هنگامی اتفاق می‌افتد که وضعیت موجود فرد در روابط زناشویی با وضعیت مورد انتظار و دلخواه فرد برابر نباشد (وینچ، ۲۰۰۰). از سویی رضایت زناشویی فرایندی است که در طول زندگی زن و شوهر به وجود می‌آید؛ زیرا لازمه آن یکسانی سلیقه‌ها، شناخت صفات شخصیتی، ایجاد قواعد رفتاری و شکل‌گیری الگوهای مرادده است (کامینگ^۲، ۱۹۹۷). از سوی دیگر وجود نارضایتی در روابط زن و شوهر افزون بر ایجاد مشکل در روابط اجتماعی، گرایش به انحرافات اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی در میان زوجین نیز می‌شود (نیولین، ۲۰۰۰). رضایت‌مندی و سازگاری زناشویی وضعیتی است که در آن، زن و شوهر در بیشتر مواقع احساسی برآمده از خوشبختی و رضایت از همدیگر دارند و روابط رضایت‌بخش در میان زوجین، از راه علاقه متقابل، میزان مراقبت از همدیگر، پذیرش و تفاهم با یکدیگر قابل ارزیابی است (سینها و کوکرچک، ۱۹۹۰).

رضایت زناشویی، یک تجربه شخصی در ازدواج است که تنها توسط خود فرد در پاسخ به میزان لذت رابطه زناشویی قابل ارزیابی است و عوامل بسیاری هستند که در زندگی مشترک روی رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارند و این احساس نقش مهمی در میزان کارکردهای بهنجار خانواده

^۱. Dannelly

^۲. Cumming

ایفا می‌کند (جیانگ، وانگ، زانگ، لیوو همکاران، ۲۰۱۵). زوج‌های با رضایت زناشویی ادراک شده بالا، توافق زیادی با یکدیگر دارند، از نوع و سطح روابطشان راضی‌اند، از نوع و کیفیت گذران اوقات فراغت رضایت دارند و مدیریت خوبی در زمینه وقت و مسائل مالی خودشان اعمال می‌کنند (گریف، ۲۰۰۰). یافته‌های پژوهشی، نشانگر آن است که عوامل بشماری در رضایت‌مندی زناشویی تأثیر دارد، از جمله: شخصیت (اسچورمن - کروک، ۲۰۰۱)؛ تحصیلات و طبقه اجتماعی (مرادی، ۱۳۸۶)؛ عقاید مذهبی (اعرافی، ۱۳۸۵)؛ مسائل جنسی (شاملو، ۱۳۹۴) و سبک‌های دل‌بستگی (بانز، ۲۰۰۴).

یکی از عوامل مهم در رضایت‌مندی زناشویی، ویژگی‌های شخصیتی زوجین است (اسچورمن - کروک، ۲۰۰۱). شخصیت، مجموعه سازمان‌یافته و واحدی است متشکل از خصوصیات نسبتاً ثابت و بادوام که بر روی هم یک فرد را از افراد دیگر متمایز می‌سازد (شاملو، ۱۳۹۴). منظور از ویژگی‌های شخصیتی، مدل عامل‌های شخصیتی پنج بزرگ است که دربرگیرنده پنج ویژگی عمده از ویژگی‌های شخصیت است. این ویژگی‌ها عبارتند از: روان‌آزرده‌خویی^۱ (شدت تعلق فرد به یک گروه خاص و تعصب داشتن در این امر که به خشم، کینه، رفتارهای تکانشی و آسیب‌پذیری از تنیدگی ناشی می‌شود)، برون‌گردی^۲ (هیجان‌خواهی و تمایل به داشتن روابط با دوستان و دنیای بیرونی)، تجربه‌پذیری^۳ (داشتن تحمل برای اندیشه‌های نو، راه‌های تازه انجام امور و پذیرش تجربه جدید)، همسازی^۴ (اتفاق‌نظر در انجام کارها، اتحاد و همبستگی با یکدیگر و موافقت و سازگاری با دیگران در انجام امور) و وظیفه‌شناسی^۵ (مثبت و بارآراده بودن، داشتن احساس مسؤولیت، اصولی بودن، دارای دقت عمل و پایبند بودن به اصول اخلاقی) توصیف کردند (کاستا و مک کری، ۲۰۰۲).

1. neuroticism

2. extraversion

3. openness

4. agreeableness

5. conscientiousness

پژوهشگران معتقدند که یک توافق عمومی وجود دارد که خصوصیات شخصیتی نقش مهمی در نتایج منفی و مثبت روابط زناشویی دارند (عطاری، امان‌اللهی، مهربانی زاده هنرمند، ۱۳۸۵؛ کافمن، ۲۰۱۱). دونلان، کانگر و برایانت (۲۰۰۴) با اشاره به نتایج تحقیقات انجام‌شده، بر این نکته تأکید دارند که رضایت زناشویی بیش از همه، از ویژگی‌های شخصیتی زوجین متأثر است. در پژوهشی نیز شیواتا و لوینسون (۲۰۰۷) وظیفه‌شناسی زوجین را پیش‌بینی کننده خوبی برای رضایت-مندی زناشویی می‌دانند. در تحقیقی دیگر نیز روبین، کاسپی و مفیت^۱ (۲۰۰۲) نشان دادند که روان‌آزردگی با رضایت زناشویی رابطه منفی و معنی‌داری دارد.

یکی دیگر از متغیرهایی که نقش مهمی در رضایت زناشویی زوجین دارد، دین‌داری است. دین وجه اصلی امتیاز بشر است. تاکنون هیچ حیوانی نشانه‌ای از وجود حیات دینی بروز نداده است و یا هیچ کاری نکرده است که بتوان آن را به‌عنوان تمهیدی برای زندگی پس از مرگ او به حساب آورد. برعکس در تاریخ بشر هیچ قبیله‌ای را نمی‌توان یافت که به‌گونه‌ای دین نداشته باشد. در این میان افزایش علاقه به روان‌شناسی معنوی تا حدودی از یافته‌های تجربی و مبانی نظری ناشی شده است که پیشنهاد می‌کنند که متغیرهای معنوی و مذهبی در سلامت روانی و بدنی نقش دارند. معنویت به‌عنوان موضوعی خاص در علوم اجتماعی و تجربی مطرح است (پوچالسکی، دورف و هندی، ۲۰۰۴). معنویت به‌مثابه آگاهی از هستی یا نیرویی فراتر از جنبه‌های مادی زندگی است و احساس عمیقی از وحدت یا پیوند با کائنات را به وجود می‌آورد (مپ و جوپسون، ۲۰۰۴). معنویت و باورهای شخصی فرد که وی را در مقابله و تدبیر با مشکلات کمک کرده و به زندگی‌اش مفهوم می‌دهد، به‌عنوان یک بخش پذیرفته‌شده در فرهنگ معاصر جوامع بوده و به‌صورت گسترده‌ای وارد عرصه مراقبت شده است (پرسین، دونینگ، ۲۰۰۸). معنویت و باورهای روحانی با احساس سلامت ارتباط دارد. به نظر می‌رسد نماز و نیایش دارای اثرات مشابه مدیتیشن هستند (میسینهلدر و چندلر، ۲۰۰۰). ایجاد ارتباط معنوی با قدرت بی‌کران به فرد این اطمینان را می-

¹. Robins & Caspi & Moffitt

دهد که نیرویی قوی همیشه او را حمایت می‌کند. این افراد حوادث را با تکیه بر ایمان و اعتقاد خود راحت‌تر می‌گذرانند، کمتر دستخوش تنیدگی و اضطراب می‌شوند و در نتیجه انتظار این افراد از آینده امیدوارانه‌تر و خوش‌بینانه‌تر است. همچنین بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهند که انجام اعمال دینی، بیش از دیگر متغیرها، رضایت‌مندی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند (غباری بناب، ۱۳۸۰).

گلین^۱ (۱۹۸۸) در پژوهش خود نشان داد کسانی که برای مدت طولانی باهم زندگی می‌کنند، دین را به‌عنوان مهم‌ترین عامل رضایتمندی در ازدواج تلقی می‌کنند. گراهام (۲۰۱۱) در پژوهشی به این نتیجه دست‌یافت که مذهب و ازدواج به‌عنوان اشکالی از حمایت اجتماعی هستند که به‌صورت انفرادی بر سلامتی اثر می‌گذارند و می‌تواند باعث افزایش سازگاری زناشویی شوند. سیبولد و هیل (۲۰۰۱) به این نتیجه رسیدند باورهای مذهبی، آیین‌ها و تعهدات، با نتایج مثبت مانند بهبود کیفیت زندگی بهتر، بهزیستی، سلامت جسمی و روانی، رضایت زناشویی و زندگی پایدار و عملکرد کارایی مثبت مرتبط هستند. شرکات^۲ (۲۰۰۴) نیز پس از بررسی تحقیقات خود به این نتیجه رسید که اختلاف دینی در خانواده‌ها موجب بروز مشکلات برای ازدواج می‌شود که منجر به کاهش رضایت‌مندی و افزایش تعارضات زناشویی و طلاق می‌شود.

باوجوداین، پژوهش‌هایی که به رابطه بین رضایت زناشویی و شباهت ویژگی‌های شخصیتی و دین‌داری زوجین پرداخته باشند، اندک هستند (شیوتا و لونسون، ۲۰۰۷). از سوی دیگر، نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش‌های پیشین نیز ناهمسان است (روسوسکی، کینگ، گولدیگ، رودز و سگال^۳، ۲۰۱۲) و به‌سختی می‌توان آن‌ها را تفسیر کرد (واتسون، کلنون، کاسیلاس و همکاران، ۲۰۰۴). گانت^۴ (۲۰۰۶) نیز گزارش کرده است که رابطه تشابه و عدم تشابه شخصیت زوجین با

1. Glenn

2. Sherkat

3. Rosowsky, King, Coolidge, Rhoades & Segal

4. Gaunt

رضایت زناشویی آن‌ها به شدت ناشناخته است. بنابراین با توجه به مبانی نظری و تجربی پژوهش، هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی ویژگی‌های شخصیتی و دین‌داری با رضایت‌مندی زناشویی در زنان متأهل شهر تبریز بود.

روش

این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. در واقع با توجه به هدف پژوهش این تحقیق از نوع کاربردی بوده است. جامعه آماری این پژوهش همه زنان متأهل شهر تبریز در سال ۱۳۹۲ بودند که از این جامعه تعداد ۲۰۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران و به وسیله روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

ابزارها

آزمون پنج‌عاملی شخصیتی نئو (فرم کوتاه)^۱. آزمون شخصیتی نئو فرم تجدیدنظر شده آن که توسط گروسی، مهریار و قاضی طباطبایی (۱۳۸۰) در ایران هنجاریابی شده است، یکی از آزمون‌های شخصیتی است که بر اساس تحلیل عوامل ساخته شده و یکی از جدیدترین آزمون‌ها در این زمینه است. پرسشنامه شخصیتی نئو، پنج عامل اصلی شخصیت و شش خصوصیت در هر عامل را می‌سنجد. این دو جنبه یعنی پنج عامل اصلی و سی رویه آن ارزیابی جامعی از شخصیت بزرگ‌سال ارائه می‌دهد (مک کری و کاستا، ۲۰۰۴). این آزمون فرم دیگری به نام نئو فرم کوتاه دارد که یک پرسشنامه شصت سؤالی است و برای ارزیابی پنج عاملی اصلی شخصیت به کار می‌رود. اگر وقت اجرای آزمون خیلی محدود و اطلاعات کلی از شخصیت کافی باشد این آزمون مورد استفاده قرار می‌گیرد. این پرسشنامه در ایران توسط گروسی و همکاران (۱۳۸۰) به زبان فارسی ترجمه و بر روی دانشجویان هنجاریابی شده است. سؤالات این مقیاس بر روی طیف لیکرت پنج‌بخشی از صفر تا چهار نمره‌گذاری می‌شود و هر عامل با داشتن ۱۲ ماده نمره‌ای از صفر تا ۴۸ دارد. مؤلفه روان‌آزرده‌خویی دربرگیرنده سؤالات (۱)، ۶، ۱۱، ۱۶، ۲۱، ۲۶، ۳۱، ۳۶، ۴۱، ۴۶، ۵۱ و

^۱. NEO-Personality Inventory Revised (NEO-IP-R)

(۵۶)، مؤلفه برون‌گردی دربرگیرنده سؤالات (۲، ۷، ۱۲، ۲۷، ۳۲، ۳۷، ۴۲، ۴۷، ۵۲ و ۵۷)، مؤلفه تجربه‌پذیری دربرگیرنده سؤالات (۳، ۸، ۱۳، ۱۸، ۲۳، ۲۸، ۳۳، ۳۸، ۴۳، ۴۸، ۵۳ و ۵۸)، مؤلفه توافق‌پذیری دربرگیرنده سؤالات (۴، ۹، ۱۴، ۱۹، ۲۴، ۲۹، ۳۴، ۳۹، ۴۴، ۴۹، ۵۴ و ۵۹) و مؤلفه وظیفه‌شناسی دربرگیرنده سؤالات (۵، ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۲۵، ۳۰، ۳۵، ۴۰، ۴۵، ۵۰، ۵۵ و ۶۰) است. به‌منظور ارزیابی روایی ملاکی آزمون از روش همبستگی بین دو فرم گزارش شخصی و فرم مشاهده‌گر استفاده شده است که ضرایب حاصل بین ۰/۴۵ تا ۰/۶۶ بوده است. به‌منظور ارزیابی پایایی آزمون از روش ضریب آلفا استفاده شده که ضرایب حاصل بین ۰/۵۶ تا ۰/۸۷ به‌دست آمده است (گروسی و همکاران، ۱۳۸۰). همچنین در پژوهش حاضر ضریب پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرون‌باخ برای مؤلفه‌های روان‌آزرده‌خویی، برون‌گردی، تجربه‌پذیری، همسازی و وظیفه‌شناسی به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۷۵، ۰/۷۰، ۰/۷۴ و ۰/۷۸ به دست آمد.

پرسشنامه دین‌داری آراین. آراین (۱۳۷۸) با استفاده از سؤالات پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی بیرونی و درونی آلپورت و با در نظر گرفتن تفاوت‌های مذهبی اقدام به تهیه و تدوین این مقیاس نمود. این ابزار یک مقیاس خودگزارش‌دهی برای سنجش میزان دین‌داری فرد بوده که مشتمل بر ۲۰ سؤال است. نمره‌گذاری هر سؤال بر روی یک پیوستار از ۱ (برای خیلی کم) تا ۵ (برای خیلی زیاد) است. در پژوهشی آراین (۱۳۷۸) ضریب پایایی پرسشنامه مذکور را ۰/۹۲ و اعتبار آن را مطلوب گزارش کرد. همچنین در پژوهشی ضریب پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرون‌باخ و تصنیف به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۷۳ به دست آمد (عسگری، روشنی و آدریانی، ۱۳۸۹). در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرون‌باخ ۰/۸۹ به دست آمد.

پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۱. از این پرسشنامه به‌عنوان یک ابزار معتبر در پژوهش‌های متنوعی برای سنجش رضایت زناشویی استفاده شده است. اولسن و اولسن^۱ (۱۹۹۷) که این

^۱. Enrich Marital Satisfaction Scales

پرسشنامه برای بررسی رضایت زناشویی استفاده نمودند، معتقدند این سنجہ به تغییراتی کہ در طول دورہ حیات آدمی رخ می‌دهد مربوط می‌شود و همچنین در این خصوص بہ تغییراتی کہ در خانوادہ بہ وجود می‌آید حساس است. ہر یک از موضوعات این پرسشنامہ در ارتباط با یکی از زمینہ‌های مهم است. ارزیابی این زمینہ‌ها در درون یک رابطہ زناشویی می‌تواند مشکلات بالقوہ زوج‌ها را توصیف یا می‌تواند زمینہ‌های نیرومندی و تقویت آن‌ها را مشخص کند. همچنین می‌تواند بہ عنوان یک ابزار تخصصی برای زوج‌هایی استفادہ شود کہ در جستجوی مشاورہ زناشویی و بہ دنبال تقویت رابطہ زناشویی‌شان هستند. این پرسشنامہ دربرگیرندہ ۴۷ سؤال کہ دربرگیرندہ پاسخ قراردادی، موضوعات شخصی دربرگیرندہ سؤالات (۲، ۴، ۱۲، ۲۲ و ۴۰)، ارتباط زناشویی (۶، ۱۳، ۲۳، ۳۲ و ۴۱)، حل تعارض (۷، ۱۴، ۲۴، ۳۳ و ۴۲)، مدیریت مالی (۸، ۱۵، ۱۶، ۲۵ و ۳۴)، فعالیت‌های مربوط بہ اوقات فراغت (۹، ۱۷، ۲۶، ۳۵ و ۴۳)، روابط جنسی (۱۰، ۱۷، ۲۷، ۳۶ و ۴۴)، ازدواج و بچہ‌ها (۱۱، ۱۹، ۲۸، ۳۷ و ۴۵)، بستگان و دوستان و جہت گیری عقیدتی (۵، ۲۱، ۳۰، ۳۹ و ۴۷) است (پور دہقان، محمدی و محمود نیا، ۱۳۸۷). برای تعیین روایی و اعتبار این پرسشنامہ پس از ترجمہ، سؤالات آن را بہ رؤیت متخصصین رسانید، بدین ترتیب روایی محتوایی آن مورد تأیید قرار گرفت. در مرحلہ بعد پرسشنامہ را در یک گروہ ۱۱ نفری اجرا و ضریب اعتبار آن را از طریق آلفا محاسبہ کرد کہ عدد ۰/۹۳ بہ دست آمد (پور دہقان و همکاران، ۱۳۸۷). در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی نمرہ کل پرسشنامہ ۰/۹۱ بہ دست آمد.

شیوہ اجرای پژوهش

جہت اجرای این پژوهش ابتدا ابزارهای موردنیاز تہیہ و سپس فرایند نمونہ گیری بہ مرحلہ اجرا گذارده شد و در پی آن پرسشنامہ‌های مورد استفادہ در بین نمونہ‌های انتخاب شدہ توزیع و اطلاعاتی در رابطہ با نحوہ پر کردن پرسشنامہ‌ها دادہ شد. نهایتاً دادہ‌های موردنیاز استخراج و بہ واسطہ نرم افزار SPSS.21 مورد تجزیہ تحلیل قرار گرفت. همچنین بہ افراد شرکت کنندہ در پژوهش در مورد

¹. Olson

محرمانه بودن نتایج پرسشنامه‌ها اطمینان داده شده است. برای تحلیل داده‌ها از شاخص‌های توصیفی پراکندگی و گرایش مرکزی استفاده شد. از سویی جهت تحلیل داده‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهشی از روش ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

یافته‌ها

یافته‌های جمعیت‌شناختی نشان دادند که میزان تحصیلات زنان در سطح تحصیلات دیپلم $۳۸/۵$ ، در سطح لیسانس $۳۲/۵$ و در سطح فوق‌لیسانس ۲۹ است. همچنین وضعیت شغل زنان خانه‌دار $۹۲/۵$ و شاغل نیز $۷/۵$ بود. از سویی سطح درآمد زنان در سطح کمتر از ۱۰۰۰۰۰ تومان $۲/۰۴$ ، در سطح ۴۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰ تومان $۸۸/۴۴$ و در سطح بیشتر از ۴۰۰۰۰۰۰ تومان نیز $۹/۵۲$ است. در واقع بیشتر زنان دارای تحصیلات دیپلم، خانه‌دار و دارای سطح درآمد ۴۰۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰ بودند. در جدول ۱ میانگین، انحراف معیار، حداقل، حداکثر و تعداد آزمودنی‌ها در متغیرهای پژوهش نشان داده شده‌اند.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
روان آزرده خوبی	۲۰۰	۲۳/۰۹	۷/۲۸
برون گردی	۲۰۰	۲۷/۹۱	۷/۵۶
تجربه پذیری	۲۰۰	۲۸/۹۰	۷/۷۲
همسازی	۲۰۰	۳۲/۵۰	۶/۹۳
وظیفه‌شناسی	۲۰۰	۳۲/۱۴	۷/۶۲
دین‌داری	۲۰۰	۶۲/۷۲	۱۹/۳۰
رضایت زناشویی	۲۰۰	۱۷۲/۹۲	۳۱/۳۱

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین و انحراف معیار متغیر روان آزرده خوبی $۲۳/۰۹$ و $۷/۲۸$ ؛ برون گردی $۲۷/۹۱$ و $۷/۵۶$ ؛ تجربه پذیری $۲۸/۹۰$ و $۷/۷۲$ ؛ همسازی $۳۲/۵۰$ و $۶/۹۳$ ؛

وظیفہ شناسی ۳۲/۱۴ و ۷/۶۲ است. همچنین میانگین و انحراف معیار متغیر دین داری ۶۲/۷۲ و ۱۹/۳۰ و میانگین و انحراف معیار رضایت زناشویی نیز به ترتیب ۱۷۲/۹۲ و ۳۱/۳۱ است. همچنین جهت ارزیابی رابطه بین متغیرهای پژوهش از روش تحلیل همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۲. ضرایب همبستگی بین متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی و دین داری با رضایت مندی زناشویی

متغیر	رضایت زناشویی	
	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
روان نژادگرایی	-۰/۵۸	۰/۰۲
برون گردی	۰/۳۹	۰/۰۲
تجربه پذیری	۰/۵۰	۰/۰۰۱
همسازی	۰/۴۰	۰/۰۰۱
وظیفه شناسی	۰/۴۳	۰/۰۰۱
دین داری	۰/۳۲	۰/۰۰۲

همان طوری که در جدول ۲ ملاحظه می شود بین متغیرهای برون گردی، تجربه پذیری، همسازی و وظیفه شناسی با رضایت مندی زناشویی رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. همچنین بین روان آزرده خویی با رضایت مندی زناشویی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. از سویی با توجه به نتایج جدول ۲ بین دین داری با رضایت مندی زناشویی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. سپس برای تعیین نقش هر یک از متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی و دین داری بر پراکنش رضایت مندی زناشویی، ویژگی‌های شخصیتی و دین داری به عنوان متغیرهای پیش بین و رضایت مندی زناشویی به عنوان متغیر ملاک وارد معادله رگرسیون شدند، که از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد، که نتایج در جدول ۳ نشان داده است.

در راستای انجام تحلیل رگرسیون، ابتدا مفروضه‌های مربوطه (خطی بودن روابط بین متغیرهای پیش‌بین، نرمال بودن و چند هم خطی) بررسی گردید و به لحاظ تحقق این مفروضه‌ها تحلیل رگرسیون به عمل آمد. از سویی با استفاده از روش‌های تعدیل نمرات، مقادیر پرت از فرایند تحلیل خارج گردیدند.

جدول ۳. خلاصه یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون به روش گام‌به‌گام برای متغیر

رضایت‌مندی زناشویی

مدل	متغیرها	ضریب همبستگی	R ²	ضریب همبستگی تعدیل‌شده	خطای استاندارد بر آورد
گام نخست	دین‌داری	۰/۶۷	۰/۴۴	۰/۴۴	۱۷/۳۶
گام دوم	دین‌داری / روان‌آزرده‌خویی	۰/۷۵	۰/۵۷	۰/۵۶	۱۵/۳۶
گام سوم	دین‌داری / روان‌آزرده‌خویی / تجربه‌پذیری	۰/۷۷	۰/۵۹	۰/۵۹	۱۴/۹۳
گام چهارم	دین‌داری / روان‌آزرده‌خویی / تجربه‌پذیری / وظیفه‌شناسی	۰/۷۸	۰/۶۲	۰/۶۱	۱۴/۵۳
گام پنجم	دین‌داری / روان‌آزرده‌خویی / تجربه‌پذیری / وظیفه‌شناسی / برون‌گردی	۰/۷۹	۰/۶۳	۰/۶۲	۱۴/۳۸

مندرجات جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام را نشان می‌دهد که طی پنج گام، پنج دین‌داری، روان‌آزرده‌خویی، تجربه‌پذیری، وظیفه‌شناسی و برون‌گردی با رضایت‌مندی زناشویی دارای همبستگی چندگانه هستند. بر اساس اهمیت، ترتیب متغیرهای پیش‌بین در تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام در اولین گام دین‌داری با رضایت‌مندی زناشویی دارای ضریب همبستگی ۰/۶۷ بوده است. در گام دوم با افزوده شدن متغیر روان‌آزرده‌خویی به متغیر رضایت‌مندی زناشویی ضریب همبستگی به ۰/۷۵ رسیده است. همچنین در گام سوم با افزوده شدن تجربه‌پذیری با دو متغیر قبلی ضریب همبستگی به ۰/۷۷ رسیده و با افزوده شدن وظیفه‌شناسی به ۰/۷۸ و با افزوده شدن برون‌گردی به متغیرهای قبلی ضریب

ہمبستگی بہ ۰/۷۹ رسید۔ درواقع این پنج متغیر قادر بہ تبیین ۶۳ درصد پراکنش رضایت مندی زناشویی بوده‌اند کہ ۴۴ درصد مربوط بہ متغیر دین‌داری، ۱۳ درصد مربوط بہ روان آزرده خوئی، ۱۵ درصد مربوط بہ تجربہ پذیری، ۱۸ درصد مربوط بہ وظیفہ شناسی و ۱۹ درصد نیز مربوط بہ برون گردی است؛ درمجموع این متغیرهای ۶۳ درصد قادر بہ پیش بینی رضایت مندی زناشویی هستند۔

جدول ۴. ضرایب رگرسیون متغیرهای معنی دار در تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی متغیر رضایت مندی زناشویی

سطح معنی داری	t	B	خطای استاندارد	B	مدل
۰/۰۰۱	۳/۹۰	۰/۳۴	۰/۳۵	۱/۳۸	گام نخست (دین‌داری)
۰/۰۱	-۲/۵۹	-۰/۱۸	۰/۱۱	-۰/۳۰	گام دوم (دین‌داری / روان آزرده خوئی)
۰/۰۰۱	۳/۴۶	۰/۲۱	۰/۱۱	۰/۴۰	گام سوم (دین‌داری / روان آزرده خوئی / تجربہ پذیری)
۰/۰۰۴	۲/۹۵	۰/۱۶	۰/۱۵	۰/۴۴	گام چهارم (دین‌داری / روان آزرده خوئی / تجربہ پذیری / وظیفہ شناسی)
۰/۰۴	۲/۰۱	۰/۱۸	۰/۱۳	۰/۳۷	گام پنجم (دین‌داری / روان آزرده خوئی / تجربہ پذیری / وظیفہ شناسی / برون گردی)

از سوئی چنانکہ در جدول ۴ مشاهده می‌شود ضرایب رگرسیونی (ضرایب بتا) برای متغیرهای پیش‌بین بہ ترتیب برای دین‌داری ۰/۳۴، روان آزرده خوئی ۰/۱۸-، تجربہ پذیری ۰/۲۱، وظیفہ شناسی ۰/۱۶، برون گردی ۰/۱۸ است کہ همه متغیرهای وارد شده بہ معادله رگرسیون دارای سطح معنی داری با رضایت مندی زناشویی هستند۔ یعنی دین‌داری، تجربہ پذیری، وظیفہ شناسی و برون گردی بہ صورت مثبت و روان آزرده خوئی بہ صورت منفی قادرند تغییرات رضایت مندی زناشویی را در زنان پیش‌بینی کنند۔

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی ویژگی‌های شخصیتی و دین‌داری با رضایت زناشویی زنان بود۔ برآمدهای پژوهش نشان داد کہ رابطه معنی داری میان ویژگی‌های شخصیتی و رضایت مندی زناشویی در زوجین وجود دارد۔ درواقع میان متغیرهای برون گردی، تجربہ پذیری، همسازی و

وظیفه‌شناسی با رضایت‌مندی زناشویی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. همچنین میان روان آزرده‌خویی با رضایت‌مندی زناشویی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. این یافته‌ها با برآمد پژوهش‌های (عباسی و رسول‌زاده، ۱۳۸۸؛ مک کری و کاستا، ۲۰۰۴؛ کاسلاس و واتسون، ۲۰۰۳ و کافمن، ۲۰۱۱) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت در واقع افراد دارای ویژگی‌های روان آزرده‌خویی تمایل عمومی به تجربه‌های منفی چون ترس، غم، خشم و نفرت دارند و این عواطف منفی بازدارنده احساس خوشنودی افراد شده و باعث می‌شود که میزان رضایت‌مندی زناشویی کاهش یابد. از سوی دیگر روان آزرده‌خویی با رضایت از زندگی و سلامت روانی که یکی از مؤلفه‌های شاد بودن است ارتباط معکوس دارد. تورسکی و گریفین (۱۹۹۱) بر این باورند که افراد دارای ویژگی‌های روان آزرده‌خویی بر رویدادهای منفی زندگی بیشتر تأکید نموده در نتیجه کمتر احساس شادمانی و خوشبختی می‌کنند و بنابراین افراد دارای این ویژگی شخصیتی از رضایت‌مندی زناشویی پایین‌تری نیز برخوردارند. از دید کاگلین، هوستون و هاتس (نقل از احدی، ۱۳۸۶) نیز هراندازه میزان روان آزرده‌خویی در هر یک از زوجین بیشتر باشد، رفتارهای منفی بیشتری در سنجش با همسرانشان نشان می‌دهند و چنین رفتارهایی به کاهش رضایت و سازگاری زناشویی کشیده می‌شود و توافق، روان آزرده‌خویی پایین برای ایجاد سلامت روانی و هیجانی بهتر موجب افزایش سازگاری زناشویی می‌گردد.

همچنین کسانی که دارای نمره بالایی در متغیر برون‌گردی هستند، سرزندگی و شادابی بیشتری را از خود نشان می‌دهند و به نظر می‌رسد که در روابط میان فردی از موفقیت بیشتری برخوردارند. از آنجا که برون‌گردی با عواطف مثبت مانند صمیمیت، خوش‌بینی و هیجان‌های مثبت همراه است می‌تواند باعث ایجاد روابط زناشویی محکم بین زن و مرد شود و افزایش رضایت زناشویی را به دنبال داشته باشد (کارنی و باردبری، ۱۹۹۵). کافمن (۲۰۱۱) بیان کرد که نتایج متعارض به‌دست‌آمده در مورد صفات تجربه‌پذیری و برون‌گردی، می‌توانند به علت رابطه اساساً ضعیف و قابل چشم‌پوشی این ویژگی‌ها با رضایت زناشویی باشد. به لحاظ بالینی، این ایده قابل‌درک است؛ چراکه صفات ذاتی، سازه‌هایی مثبت یا منفی نیستند. برای مثال زودجوش بودن لزوماً نشانگر این

نیست که کنار آمدن با چنین شخصی در ازدواج، دشوارتر از کنار آمدن با یک فرد خجالتی است. پس این ویژگی‌ها با روان آزرده خوبی، عدم همسازی و بیانگر بودن که ذاتاً برای موقعیت‌های میان فردی منفی تلقی می‌شوند، متفاوت هستند.

وجود همبستگی مثبت بین همسازی و رضایت‌مندی زناشویی حاکی از این است که همسازی عبارت است از داشتن توانایی برای سازگاری با شرایط خود و دیگران. این متغیر اساساً مبتنی بر نوع دوستی، ابراز همدردی و علاقه‌مندی به کمک و یاری‌رسانی به دیگران است که این ویژگی‌ها با رضایت زناشویی بالاتر ارتباط دارند. این خصوصیت شخصیتی دربرگیرنده صفاتی از قبیل صداقت، همکاری، اعتماد به دیگران و همدردی است. این افراد بیشتر سازگار هستند؛ بنابراین همسازی تعاون، اعتماد و بخشندگی را در میان زوجین افزایش می‌دهد (بوچارد، لوسیر و صبورین، ۱۹۹۹). همچنین در تبیین ارتباط وظیفه‌شناسی با رضایت‌مندی زناشویی نیز می‌توان گفت که وظیفه‌شناسی با فراهم نمودن زمینه موفقیت افزایش رضایت‌مندی زناشویی را به دنبال دارد. همچنین وظیفه‌شناسی پایین احتمال بروز رفتارهای ضداجتماعی را افزایش می‌دهد در مورد تبیین ویژگی تجربه پذیری نیز افرادی انعطاف‌پذیر احساسات خودشان را به شکلی نیرومند تجربه می‌کنند، بین این تجربه بها می‌دهند و آن را به‌عنوان سرچشمه معنای زندگی در نظر می‌گیرند و از رضایت‌مندی زناشویی بالایی برخوردارند. این عامل شخصیتی باعث افزایش رغبت در توجه به صحبت‌ها و خواسته‌های همسر و فهم و درک دیدگاه‌های او را در بردارد (عباسی و کاظم‌زاده، ۱۳۸۸).

یافته دیگر پژوهش نشان داد که دین‌داری با رضایت‌مندی زناشویی رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. این یافته با نتایج تحقیقات (گراهام، ۲۰۱۱؛ شرکات، ۲۰۰۴) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که دین‌داری در شناخت و ارتباط دوستانه با خدا و بندگان و تحقق فضائل در خویشتن، مفهوم می‌یابد و از ارکان آن، نوع ارتباطات ضابطه‌مند زن و مرد است که موفقیت در ارکان دیگر از دین‌داری را تسهیل می‌کند و بر بسیاری از ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و معنوی افراد تأثیر می‌گذارد. در حقیقت، سنگ بنای زندگی زناشویی باید به گونه‌ای نهادینه شود که عملکرد مطلوب خانواده و ارتقا رضایت زناشویی اعضای آن را به دنبال داشته باشد. موفقیت در ازدواج و رضایت زوجین از یکدیگر، در سایه معنویت شکل می‌گیرد (نریمانی، پرزور، عطا دخت و عباسی، ۱۳۹۴).

درواقع تعالیم و باورهای دینی می‌توانند فرد را به سوی کمال و تعالی و در نتیجه رضایت‌مندی بیشتر هدایت کنند. به گونه‌ای که فردی که به‌طور خودانگیخته و با بصیرت و آگاهی و شناختی منطقی به جزم و یقین رسیده باشد، با ایمان کامل تحت هر شرایطی به آن فرمان‌های عمل می‌کند و برای ارزش‌های دینی به‌عنوان جزء لازم زندگی احترام قائل است و آن را برای مطابقت با جریانات زندگی خودش لازم می‌داند. همچنین کسانی که دارای دین‌داری و اعتقاد به خداوند هستند به‌واسطه انجام رفتارهای دینی مانند ایمان راستین به خداوند و جنبه‌های دیگر ایمان که دربرگیرنده ابعاد شناختی، ارزشی، نگرشی و رفتاری هستند، باعث رشد و تعالی بسیاری از ویژگی‌های فردی از جمله افزایش توانایی همدلی، درک مسئولیت‌پذیری، انعطاف‌پذیری، توجه، همکاری و خوش‌بینی برای حل تعارض می‌شود. به همین دلیل چنین اشخاصی توانایی بالایی برای بهبود در روابط و تعاملات خود دارند؛ در نتیجه سازگاری و رضایت‌مندی بیشتری از روابط و زندگی زناشویی خود دارند (شرکات، ۲۰۰۴). در تبیینی دیگر می‌توان گفت که ارزش‌های دینی پیش‌بینی برای تعهد در ازدواج است. به نظر می‌رسد دین‌داری به‌عنوان یک عامل مهم و کلیدی در افزایش تعهد است. دین‌ترکیبی از باورها و شیوه‌های ترویج‌شده توسط نهادهای مذهبی است که رفتار، نگرش، ارزش‌ها و باورهای فرد را شکل می‌دهد. دین‌داری را به‌صورت باورهای فردی و رفتار فرد در ارتباط با ارزش‌های فوق‌طبیعی و ارزش‌های راسخ تعریف می‌کند. دین‌داری فردی اشاره دارد به باورهای مذهبی، احساسات و رفتارهایی که دیگران آن‌ها را نمی‌بینند. عوامل حاکی از دین‌داری فردی دربرگیرنده افکار، احساسات، تعهد نسبت به خدا، عبادت و مطالعات معنوی می‌شود. دین‌داری همگانی به شرکت در آیین‌های مذهبی، عبادت گروهی و حضور در مکان‌های عبادت اشاره دارد. بر این اساس دین می‌تواند بخشی بنیادی از روابط زناشویی بسیاری از زوجها باشد و ممکن است ثبات زناشویی در طول دوره زندگی را تحت تأثیر قرار دهد (گراهام، ۲۰۱۱).

همچنین یافته دیگر پژوهش نشان داد که دین‌داری، تجربه‌پذیری، وظیفه‌شناسی و برون‌گردی به‌صورت مثبت و روان‌آزردگی به‌صورت منفی قادرند تغییرات رضایت‌مندی زناشویی را در زنان پیش‌بینی کنند. در مجموع، گرایش عمومی به تجربه عواطف منفی مانند ترس، غم، عصبانیت،

احساس گناه و نفرت، مجموعه روان آزرده خوبی را تشکیل می‌دهند. زنان با نمره بالا در روان آزرده خوبی، مستعد داشتن عقاید غیرمنطقی و دشواری در کنترل تکانه‌های خود هستند، این افراد بسیار ضعیف‌تر از دیگران با تنیدگی کنار می‌آیند. زنان دارای روان آزرده خوبی بالا، عواطف غیرمنطقی بیشتر و ضعف در راهبردهای کنارآمدن با مشکلات دارند و میزان دین‌داری پایین‌تری دارند که این عوامل عصبانیت و احساس گناه همراه با دین‌داری پایین می‌تواند پیش‌بینی کننده عدم رضایت زناشویی باشد (احدی، ۱۳۸۶). همچنین همسازی به‌عنوان یک عامل شخصیتی، دربرگیرنده صفاتی مانند همکاری، هماهنگی اجتماعی، همدردی با دیگران، صمیمیت و بخشندگی است که دربرگیرنده عوامل دین‌داری در زنان است. از سویی تعهد شخصی یکی از مؤلفه‌های وظیفه‌شناسی است؛ این مؤلفه در زوج‌های با وظیفه‌شناسی بالا سبب می‌شود که تلاشی هدفمند برای حفظ و ثبات روابط نشان دهند که این ویژگی‌های شخصیتی همسازی، وظیفه‌شناسی به دلیل ارتباطات اجتماعی مثبت با خود، دیگران و خدا و همچنین داشتن زندگی هدفمند و اعتقاد راسخ به دین‌داری می‌تواند با یکدیگر پیش‌بینی کننده رضایت زناشویی بالاتر در زوجین باشد و نقش پیشگیرانه بسیاری از مشکلات زناشویی را داشته باشد (جارویس، ۲۰۰۶).

محدودیت جامعه آماری پژوهش و نوع پژوهش، محدودیت‌هایی را در گسترش یافته‌ها، تفسیرها و اسنادهای علت شناختی متغیرهای بررسی شده پدید می‌آورد که باید در نظر گرفته شوند. نمونه موردبررسی در این پژوهش نمونه زنان بود و در گسترش یافته‌ها به جمعیت‌های دیگر باید احتیاط شود. همچنین برای بررسی دقیق‌تر رابطه متغیرهای پژوهش پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی نیز در این زمینه انجام گیرد. با توجه به یافته‌های پژوهش از آنجایی که ویژگی‌های شخصیتی پیش‌بینی کننده رضایت‌مندی زناشویی می‌باشند، بنابراین می‌توان افراد را بر اساس ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها کمک کرد. همچنین با برگزاری کلاس‌های آموزش مستمر برای زوج‌ها با هدف بهره‌گیری از روش‌های دینی در تعاملات صحیح زوج‌ها آموخته شود. از سویی پیشنهاد می‌شود با به‌کارگیری روش‌ها و مطالب آموزشی درباره مهارت‌های لازم برای زندگی زناشویی داده شود. همچنین تقویت اعتقادات دینی و توجه به نقش ویژگی‌های شخصیتی مثبت که زنان دارند، می‌تواند به‌عنوان روشی برای پیشگیری از ناسازگاری زناشویی و روشی برای درمان و بهبود ناسازگاری زناشویی

مورد استفاده قرار گیرد. لذا توجه به عوامل دین‌داری و ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند نقش مهمی در رضایت زناشویی داشته باشد که لازم است اولیای امور و متخصصین خانواده به این عوامل اهمیت بیشتری دهند.

سپاسگزاری. از همه زنان شرکت‌کننده در پژوهش حاضر و همه کسانی که در اجرای این پژوهش به ما یاری رساندند، کمال تشکر و سپاس را داریم.

منابع

- آرین، خدیجه. (۱۳۷۸). بررسی رابطه بین دین‌داری و روان‌درستی ایرانیان مقیم کانادا. رساله دکترا. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی ایران.
- احدی، بتول. (۱۳۸۶). رابطه شخصیت و رضایت زناشویی، دو فصلنامه روان‌شناسی معاصر، ۲ (۲)، ۳۷-۳۱.
- اعرافی، علیرضا. (۱۳۸۵). اهداف تربیت از دیدگاه اسلام. تهران: انتشارات سمت.
- پور افکاری، نصرت‌الله. (۱۳۹۰). فرهنگ جامع روان‌پزشکی و زمینه‌های وابسته. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- پور دهقان، محمد؛ محمدی، شهناز؛ و محمود نیا، علیرضا. (۱۳۸۷). رابطه بین عزت‌نفس و رضایت زناشویی معلمان مدارس راهنمایی. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، ۴ (۸)، ۷۰۲-۷۰۱.
- خدا پناهی، محمد کریم. (۱۳۷۴). بررسی نقش تهییج طلبی در تحکیم روابط زناشویی. رساله دکتری گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- شاملو، سعید. (۱۳۹۴). بهداشت روانی. انتشارات رشد. تهران.
- گروسی فرشی، میر تقی؛ مهریار، امیر هوشنگ و قاضی طباطبایی، محمود. (۱۳۸۰). کاربرد آزمون شخصیتی نئو و بررسی تحلیل ویژگی‌ها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران. فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی الزهرا، ۱۱ (۳۹)، ۱۹۸-۱۷۳.

عباسی، روح اله؛ و رسولزاده کاظمزاده، سید کاظم. (۱۳۸۸). رضایت‌مندی زناشویی و تفاوت‌های فردی: نقش عوامل شخصیتی. *مجله علوم رفتاری*، ۳(۳)، ۲۴۲-۲۳۷.

عسگری، پرویز؛ روشنی، خدیجه؛ و مهری آدریانی، مریم. (۱۳۸۹). رابطه اعتقادات مذهبی و خوش‌بینی با سلامت معنوی دانشجویان دانشگاه آزاد اهواز. *فصلنامه یافته‌های نو در روان‌شناسی*، ۱۰(۳)، ۳۹-۲۷.

عطاری، یوسفعلی؛ امان‌اللهی‌فرد، عباس و مهربانی زاده هنرمند، مهناز. (۱۳۸۵). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و عوامل فردی^۰ خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان اداره‌های دولتی شهر اهواز. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ۱۳(۳)، ۱۰۸-۸۱.

مرادی، فاطمه. (۱۳۸۶). *رابطه ویژگی‌های شخصیتی با رضایت‌مندی زناشویی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ‌نشده، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن.

غباری‌بناب، باقر. (۱۳۸۰). مطالعاتی در قلمرو مشترک دین و روان‌شناسی. *مجله حوزه و دانشگاه*، ۷(۲۹)، ۹۷-۱۰۸.

نریمانی، محمد؛ پرزور، پرویز؛ عطا دخت، اکبر؛ و عباسی، مسلم. (۱۳۹۴). نقش بهزیستی معنوی و پابندی مذهبی در پیش‌بینی رضامندی زناشویی پرستاران. *مجله بالینی پرستاری و مامایی*، ۴(۲)، ۱۰-۱.

Bouchard, G., Lussier, Y. & Sabourin, S. (1999). Personality and marital adjustment: Utility of the fivefactor model of personality. *Journal of Marriage and Family*, 61, 651-660

Banes, R. (2004). Adult attachment and marital satisfaction: Evidence for dyadic configuration effects. *Journal of Social and Personal Relationships*, 21, 273-282.

Casellas, A. & Watson, D. (2003). *Impact of personality traits and life events on newly eds' satisfaction*. Poster presented at the 111th Annual Meeting of the American Psychological Association, Toronto, Ontario, Canada.

Costa, P. T. & Mc Care, R. R. (2002). *Designed to measure five major dimensions or domains of normal adult personality*. Psychological Assessment Resources. Inc.

Campbell, T. L. (2003). The effectiveness of family interventions for physical disorders. *Journal of Marital and Family*, 29(2), 263-281.

Cumming, S, Mark and Watson Anne O'Reilly. (1997). *Fathers in family context: Effects of marital Quality on child adjustment in the vole of the father in child Development*, edited by Michael E. Lamb. John Wiley and sons, New York.

- Dannelly DA. (1993). Sexually inactive marriages. *Journal of Sex Rese*, 30(2), 171-176.
- Donnellan, B. M., Conger, R.D., Bryant, C. M. (2004). The big five and enduring marriages. *Journal Resarch Pers*, 38, 481-504.
- Gaunt, R. (2006). Couple similarity and marital satisfaction: Are similar spouses happier? *Journal of Personality*, 74, 1401-1420.
- Glenn, N.D. (1988). A note of family situation and global happiness. *Social forces*, 57, 957-960.
- Graham, P. J. (2011). *An investigation of the relationship between religion and marriage on self-reported health*, B.A, Louisinana Tech University
- Greef, A. P. (2000). Charactersiecs of families that function well. *Journal Fam Issu*, 21(8), 948-963.
- Jarvis, M. O. (2006). *The longterm role of Newlywed conscientiousness and religiousness in marriage*. Unpublished Doctoral Dissertation. University of Texas at Austin.
- Jiang, H., Wang, L., Zhang, Q., Liu, D.X., Ding, J., Lei, Z., Lu, Q., & Pan, F. (2015). Family functioning, marital satisfaction and social support in hemodialysis patients and their spouses. *Stress Health*, 31(2), 166-174.
- Kaufman, A. (2011). *Personality, partner similarity and couple satisfaction: Do opposites attract or birds of a feather flock together*. Retrieved by <https://www.prepare-enrich.com>, 26 Oct 2014.
- Karney B. R. & Bradbury, T. N. (1995). The longitudinal cours of marital quality and stability: A new of theory, method and research. *Psychological Bulletin*, 118, 3-34.
- Mabe, P.A., Josephson, A. M. (2004). Adolescent Psychopathology: Spiritual and religious Perspectives. *Child Adolesc Psychiatr Clin*, 13, 111-125.
- McCrea R.R & Costa PT. (2004). A contemplated revision of NEO five factor inventory. *Journal of Personality and Individual Differences*, 36, 587-596.
- Meisenhelder, J. B., Chandler, E.M. (2002). Pray and health outcomes in church lay leaders. *Western Journal Nurs Reserch*, 22, 706-716.
- Niolon, R. (2000). *Cmmunication style and problem solving*, Retrieved from the world wide web:<http://www.psycho page.com>
- Olson, D. H. & Olson. A. K. (1997). Enrich Canada, Inc. *Jornal of family ministry*, 11(4), 28-53.
- Parsian, N., Dunning, T. (2008). Spirituality and coping in young adults with diabetes. *Diabetes Reserch clinical Prac*, 79, SI-SI27.
- Puchalski, C. M, Dorff, R.E., Hendi, I.Y. (2004). Spirituality, religion, and healing in palliative care. *Clinical Geriatr Med*, 20, 689-714.

- Robins, R.W., Caspi, A. & Moffitt, T. E. (2002). It's not just who you're with, it's who you are: Personality and relationship experiences across multiple relationships. *Journal of Personality*, 70, 925-964.
- Roustit, C., Chaix, B., & Chauvin, P. (2007). Family breakup and adolescents' psychosocial maladjustment: public health implications of family disruptions. *Pediatrics*, 120(4), 984-991.
- Rosowsky, E., King, K. D., Coolidge, F. L., Rhoades, C. S., & Segal, D. L. (2012). Marital satisfaction and personality traits in long-term marriages: An exploratory study. *Clinical Gerontologist*, 35, 77-87.
- Schnurman-Crook, A. M. (2001). *Marital Quality in Dual-Career Couples: Impact of Role Overload and Coping Resources*. Unpublished PhD Thesis, Virginia Polytechnic Institute and State University.
- Seybold, K. S., Hill, P. C. (2001). The role of religion and spirituality in mental and physical health: *Current directions in psychological science*, 7 (10), 214.
- Sherkat, D. E. (2004). Religious intermarriage in the united states: Trends, patterns, and predictors. *Journal of social science research*, 18, 47 55.
- Sinha, S. P., & Mukerjec, N. (1990). Marital adjustment and space orientation, *The Journal of Social Psychology*, 130 (5), 630-639.
- Shiota, M. N, & Levenson, R. W. (2007). Birds of feather don't always fly farthest: similarity in big five personality predicts more negative marital satisfaction trajectories in long- term marriages. *Journal of Psychology and Aging*, 22, 666-675.
- Tversky, A., & Griffin, D. (1991). *Endowment and contrast in judgment of well-being*. In F. Strack, M. Argyle, & N.Schwartz (Eds.), Subjective well-being. Oxford: Pergamon.
- Watson, D., Klohnen, E. C., Casillas, A., Simms, E., Haig, J., & Berry, D. S. (2004). Match makers and deal breakers: Analyses of assortative mating in newlywed couples. *Journal of Personality*, 72, 1029-1068.
- Winch, R. (2000). *Selected Studies in Marriage and the Family*. New york: Hito Rinehart and Wiston. INC.



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی